

## انقلاب اسلامی و حضور تاریخی ما

باسمه تعالی

- 1- بدون درک زمانه، هیچ قدمی به سوی آینده‌ی خود نمی‌توان برداشت و رخداد انقلاب اسلامی در این تاریخ، همان زمانی است که می‌توانیم با قرار گرفتن در آن، سرنوشت خود را از بند غرب آزاد کنیم و تاریخ پایان‌یافتگی غرب را نشان دهیم که همان تاریخ سست شدن عهد انسان با سکولاریته و اقامه‌ی رابطه‌ی انسان با خداست.
  - 2- امیرالمؤمنین در آخر خطبه‌ی 190 می‌فرماید: «فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجَلًا» برای هر چیزی مدت و سرآمدی است. حضرت صادق (ع) می‌فرماید: «نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ» ما داناترین افراد به وقت هستیم. حضرت علی (ع) در رابطه با شناخت زمان و زمانه می‌فرماید: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ» داناترین مردم به زمان کسی است که از تحولات آن دچار شگفتی نشود و خویشتن را نبازد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «قَالَ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلِسَانِهِ» در دستورهای حکیمانه‌ی آل داود چنین آمده است که وظیفه‌ی انسان خردمند است که زمانه‌ی خویش را بشناسد.
  - 3- مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» می‌فرماید: «واقعا حضرت امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) انسان عجیبی بود اصلاً پیدایش و وجود این انسان با آن ابعاد، هیچ قابل تحلیل نیست جز این که بگوییم تفضّل الهی بود برای این که چرخشی در تاریخ و در حرکت قافله‌ی عظیم بشری به وجود آورد، دستی باید از غیب ظاهر می‌شد، خدای متعال این دست را ظاهر کرد». (بیانات در تاریخ: 1369/3/1)
  - 4- تا ما نسبت خود را با حقیقت دوران خود یعنی انقلاب اسلامی، قطع نکرده‌ایم، آن حقیقت همواره چهره‌های پنهان خود را بر ما می‌گشاید و این‌طور نیست که یک بار برای همیشه انجام گیرد و تمام شود، تا ما عهد خود را با آن حقیقت پایدار نگه می‌داریم، گشودگی‌ها ادامه دارد. زیرا با یک حقیقت تاریخی روبه‌روئیم و نه با یک حادثه و اتفاق و بدین لحاظ در موارد زیر نسبت خود با انقلاب اسلامی را بازخوانی می‌کنیم.
  - 5- چگونه می‌توان نگهبانان انقلاب اسلامی بود اگر آن را حقیقت وجودی دوران ندانیم؟ آیا جز با گوش سپردن به آن از طریق وجود خود و با به زبان آوردن تعلق خاطری که به آن داریم، می‌توانیم بار سنگین مسئولیت این دوران را به دوش بگیریم؟
  - 6- همان‌طور که انسان‌ها واجد ناخودآگاهی فردی هستند، ناخودآگاهی جمعی دارند و در ناخودآگاه جمعی همه‌ی افراد قوم شریک‌اند، خودآگاهی جمعی فراتر از زمان و مکان، انسان‌ها را در بر می‌گیرد، در حالی که ممکن است هنوز ندانند به چه حقیقتی رسیده‌اند.<sup>1</sup> حقیقت به صورت رخداد در تاریخ ظهور می‌کند و معرفت خاصی را به انسان‌ها متذکر می‌شود، مثل حضور در مرغزاری خوش منظره، مثل پرتو روشنایی در دل تاریکی.
- رخداد تاریخی، یک نوع آشکارشدن است برای جان انسان، مثل فهمیدن‌های معمولی نیست، انسان در آن واقع می‌شود و اگر نسبت به آن خودآگاهی پیدا کند می‌تواند از آن تغذیه کند و با آن هماهنگ گردد، در آن صورت به داخل آن رخداد کشیده می‌شود و در آن حالت امری معنادار، اعتبار و مرجعیت خود را بر آن فرد یا ملت حاکم می‌گرداند و به آن ملت خطاب می‌کند و آن ملت آن معنا را از خود می‌کند و حاضر می‌شود با آن زندگی کند و به آن آری بگوید.
- ما در انقلاب اسلامی در داخل رخداد حقیقت این دوران قرار گرفته‌ایم قبل از آن که فکر کنیم چگونه باید به آن باور داشته باشیم. پیش‌فهم‌هایی است در امری معنادار و معنوی که در «سنت» رخ می‌نمایند و در افق درونی انسان‌ها عالمی را به آن‌ها عطا

<sup>1</sup> - قرآن در رابطه با آگاهی تاریخی که سپس به خودآگاهی تبدیل می‌شود، می‌فرماید: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا» (آل‌عمران/84) بگو ما به خدا و آن‌چه بر ما نازل شد ایمان آوردیم، نمی‌فرماید «ما أُنزِلَ عَلَيَّ» که تنها شامل پیامبر ﷺ شود. از این جهت یک ملت را در بر می‌گیرد.

می‌کند و انسان‌ها در آن عالم از خود، فهمی خاص پیدا می‌کنند. وظیفه‌ی ما جهت تفسیر این رخداد، توجه به پشت‌صحنه‌ی آن است تا بیرون از فرهنگ مدرنیته، فهم تازه‌ای از خود پیدا کنیم و وارد تاریخی اثرگذار شویم.

7- ندای بی‌صدای وجود، از ما گوش خاصی را طلب می‌کند. شهداء صدای بی‌صدای وجود این تاریخ را شنیدند. به همان معنایی که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَّا فَتَعْرَضُوا لَهَا»<sup>۲</sup>. در حین روزگاران عمرتان، نفحاتی از طرف پروردگارتان به صحنه خواهد آمد، آگاه و هوشیار باشید و خود را در معرض آن نفحات قرار دهید. و معنای نظر به انقلاب اسلامی به عنوان حقیقت این روزگار باید از این نوع باشد، نه آن که بخواهیم با عقل انتزاعی به آن نظر کنیم.

8- آدمی به ندای بی‌صدای هستی گوش می‌دهد و با زبان، آن را آشکار می‌کند. یعنی حقیقت، صامت نیست و در هر دوران سخنی دارد و باید با گوش سپردن به آن، با زبانی مناسب، آن حقیقت را آشکار کرد. در این صورت است که انسان در عین داشتن سخنی اصیل، به معنای خود دست می‌یابد که آن معنا، ارتباط با حقیقت وجود است و پاسخ‌دادن به دعوت و ندای بی‌صدای حقیقت، و گرنه انسان‌ها همچنان در بی‌معنایی به سر می‌برند.

9- انقلاب اسلامی بستر زندگی انسان بر روی زمین است، در حالی که نظر به آسمان دارد. امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» آمد تا ما در عین زندگی بر روی زمین، در قرب الهی به سر ببریم و با زبان و عمل، گزارش‌گر چنین دریافتی باشیم و معنای بودن‌مان فراموش نشود و در آوراگی بازگشت به خانه، سکنی‌گزیدن را رقم بزنیم و این از جهتی راز این تاریخ است که مثل هر رازی، در عین آشکارگی، پنهان است و خود را در آن چه آشکار شده، پنهان می‌کنند.

10- سکنی‌گزیدن از طریق انقلاب اسلامی در این عالم، همان شوقی است که رزمندگان را در شب عملیات در بر گرفت تا در تاریخی به وسعت حضور یاران حسین علیه‌السلام در عالم، حاضر شوند. انسان می‌تواند در این اشتیاق و شوق، اقامت‌گزیند و هم‌چنان در سیر رجوع به حق قرار داشته باشد. این است سلوک عارفانه‌ی این دوران که انسان را همواره در مقام فکر و ذکر قرار می‌دهد و منشأ تقرب او به عالم معنا می‌گردد و افق آینده را همواره گشوده می‌یابد و از بی‌آیندگی و از آتش پوچی دوران آزاد می‌شود و منور به عطای حقیقت دوران خواهد شد و در این حال، «وقت» او وقت مبارک است. زیرا فضای فتوح و گشودگی برای او فراهم شده و مسئول به زبان آوردن آن وقت گشته، با واژگانی بس مبارک که در آن واژگان، انسان ماورای گذشته و آینده، در «حال» با حقیقت دوران روبه‌روست و آنچه را یافته است به طریقی ماندگار در خانه‌ی قرب، وسعت می‌دهد و به بنیاد تاریخی که شروع شده و زندگی را در عین قدسی‌بودن، قوام بخشیده، می‌اندیشد و در آن بستر سخن می‌گوید.

11- در این دوران که دوران انقلاب اسلامی است، انقلاب اسلامی رویکرد حقیقت به سوی فطرت تاریخی ماست و ما را در برگرفته است. کیست که در جان خود از رویکرد به سوی حقیقت، رویگردان باشد و بدان رضایت ندهد؟ وظیفه‌ی متفکران واقعی آن است که قدرت توجه به امر قدسی را به مردمان برگردانند و نگذارند روزمرگی‌ها آن‌ها را برآید. چنین کسانی خویشاوندان اصلی حقیقت قدسی دوران‌ها می‌باشند.

12- تبیین حقیقی قرب و بُعد در این تاریخ به عهده‌ی خویشاوندان اصلی حقیقت قدسی دوران است که حقیقتاً متفکران اصیل جامعه‌شان می‌باشند، برای درک آن چه جامعه در آن هست ولی به آن خودآگاهی ندارد ولی در تبیین حقیقی قرب و بُعد آمده‌ی گوش سپردن به امر قدسی دوران خود می‌باشد و بدین لحاظ متفکران اصیل مذکور خواهند بود و می‌دانند جایگاه آن چه به عنوان انقلاب اسلامی بدان اشاره دارند، در جان انسان‌های این دوران قرار گرفته است.